

من کیستم: بحران هویت و اعتیاد

www.ketab.ir

تالیف: سجاد بهرامی



کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

سرشناسه
عنوان و نام پندآور
موضوعات نشر
موضوعات تباری
شماره
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

بهرامی، سجاد، ۱۳۶۷
من کیستم: بحران هویت و اعتیاد/ تألیف سجاد بهرامی.
تهران: شرکت دانش آزرین جهان، ۱۳۹۳
۷۱ ص. ۵/۱۶/۲۱.۵
۱۰۰۰۰ ریال (0-4-7529-600-978)
فیفا
کتابنامه: ص. ۶۲-۷۱
اعتیاد
مواد مخدر
اعتیاد -- عوارض و عواقب
اعتیاد -- جذبه‌های روان‌شناسی
جوانان -- ایران -- سوء مصرف دارو -- پیشگیری
داروها -- ایران -- مبارزه و کنترل
۱۳۹۳ م ۹۱۳ ب: HV۵۸۰۱
۳۶۲/۲۹۳
۳۷۱۳۱۰۷

ناشر: دانش آزرین جهان

سال انتشار: ۱۳۹۳

مؤلف: سجاد بهرامی

نام کتاب: من کیستم: بحران هویت و اعتیاد

فیفا: ۰۰۱-۷۵۲۹-۶۰۰-۹۷۸

چاپخانه و طراحی: شریف

تعداد صفحات: ۷۱

قطع کتاب: رقعی

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

مقدمه

اعتیاد چیست؟ اعتیاد را به عادت کردن، خو گرفتن، و خود را وقف عادتی نکوهیده کردن معنا کرده اند، به عبارت دیگر تسلیم به ماده مخدر که از نظر جسمی و با اجتماعی زیان آور شمرده می شود، اعتیاد نام دارد. در سال ۱۹۵۱ سازمان ملل متحد تعریف زیر را برای اعتیاد به مواد مخدر ارائه کرد: «اعتیاد به مواد مخدر عبارت است از مسمومیت تدریجی یا حادی که به علت استعمال

مداوم يك دارو اعم از طبيعى يا تركيبى ايجاد مى شود و به حال شخص و اجتماع زيان آوراست» (ستوده، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

اگر نيم نگرامى به پيامدها و عوارض اعتياد به مواد مخدر بيندازيم خواهيم ديد كه پيامدهاى اعتياد جامعه، فرد و خانواده را از نظر اقتصادى، اجتماعى، روانى و جسمى دربر مى گيرد. از مهمترين عوارض جسمى اعتياد به مواد مخدر مى توان به ناراحتى هاى عصبى، بى اشتهاى، اضطراب، ريزش مكرز آب از بيضى و چشم، ناراحتى عضلانى و فشار شديد در ستون فقرات، لاغر شدن و مانند آن اشاره كرد. در گستره اقتصادى برخى پيامدهاى ناشى از اعتياد به مواد مخدر عبارتند از: بىكارى، ضعف مالى در ازاي خريد و مصرف مواد، توجه به اقتصاد و جامعه و خانواده. اما عوارض روانى و شخصيتى ناشى از اعتياد به مواد مخدر فراوانند از جمله: ضعف اراده، بى توجهى به مسئوليت هاى فردى، ضعف شخصيت، ضعف عاطفه، عصبى بودن، به هم خوردن تعادل روانى، شخصيت نامتعادل و متزلزل، وضعف اعتماد به نفس، همچنين در زمينه اجتماعى ميتوان به عوارضى مانند بى توجهى به مقررات جامعه، ضعف نيروى كار جامعه، بى نظمى و بى اعتمادى در جامعه، ضعف بنياد خانواده، افزايش انحرافاتى مانند: دزدى، فحشا و تكيديگرى اشاره كرد. مشكلات روانى، كنجكاوى، ضعف اراده، فرار از زندگى تكرارى، انگيزه هاى درمانى، و شخصيت ناسهنگار فرد مهمترين علل فردى گرايش به اعتياد مى باشند. در قسمت علل خانوادگى ميتوان به كمبود محبت در خانواده، تبعيض بين فرزندان، آزادى بيحد، محدود كردن بى حد فرزندان، رقاب بى حد اقتصادى در خانواده، فقر، و ناسامانى هاى خانواده اشاره كرد. همچنين برخى از علل

اجتماعی گرایش به اعتیاد عبارتند از: در دسترس بودن مواد مخدر، بیکاری، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی، محیط جغرافیایی و محله زندگی نامناسب، ضعف قوانین و ضعف اجرای آن، دوست ناباب، وضعف دینداری در جامعه. قولتن در سال ۱۹۹۷ در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که بین جهت گیری درونی مذهبی و احراز هویت، رابطه مثبت وجود دارد (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵). از آنرو که دامنه علل گرایش به اعتیاد و دامنه و گستردگی عوارض ناشی از آن بسیار وسیع و فراگیر می باشد، پیشگیری، شناسایی و از بین بردن علل گرایش به اعتیاد ضروری است؛ زیرا همان گونه که گذشت، پیامدهای ناشی از اعتیاد بسیار خاموش و بیکیان شکن هستند و درمان پس از اعتیاد نسبت به پیشگیری کاری به صرفه نخواهد بود. البته این بدان معنا نیست که افراد معتاد را درمان نکنیم، بلکه بدان معناست که پس از ایجاد اعتیاد در فرد، زمینه های گرایش به آن شناسایی شوند و با استفاده از مطالعات کارشناسانه در ابعاد و تخصص های گوناگون، در از بین بردن زمینه ها تلاش نمائیم. اگر به بُعد اقتصادی توجه کنیم خواهیم دید که هزینه پیشگیری از درمان کمتر خواهد بود؛ چرا که برای تهیه مواد مخدر این هنگامی از کشور خارج می شود. همچنین برای کشف و مبارزه با آن و نیز مداوای معتادان هزینه های بالایی صرف می گردد. (ستوده، ۱۳۸۰، ص ۹۹).

باتوجه به مطالبی که گفته شد می توان عوامل گرایش به اعتیاد را به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم کرد. در عوامل فردی نوع هویت فرد بیشترین تاثیر گذاری را بر تصمیم های فرد در گرایش به اعتیاد را بازی می کند.

سبک هویت یکی از موضوعات مهم روانشناسی است پژوهش های انجام شده بیشتر در رابطه با وضعیت های هویتی ماریسبا (۱۹۶۶)، پیشرفت تحصیلی و خود مختاری تحصیلی و روابط فردی پروزونسکی (۱۹۹۸، ۲) سازگاری و سلامت روانی بوده است. به کمک هویت است که افراد به تعریفی از خویشتن می رسند که اگر این تعریف با واقعیت اجتماعی آنها در تعارض باشد، حالت هایی همچون عدم پختگی، فشار روانی و مشکلات رفتاری را تجربه می کنند. هویت کسب شده مستلزم ارزیابی فرد از توانایی ها و ناتوانی های شخصی و چگونگی ترتیب آنهاست. فرایند هویت جویی در یک نوجوان زمانی به هدف می رسد که نوجوان بتواند بگوید "من کیستم؟" و این روشکرد او متوجه آینده باشد. نوجوان به این هدف نمی رسد مگر آنکه به نظام ارزشی، مذهب و عقاید سیاسی و اهداف حرفه ای متعهد شود و در رابطه با زندگی شروع به ایجاد یک فلسفه برای زندگی خود بکند (شکرکن، امیدیان، نجاریان، حقیقی، ۱۳۸۰).

مطالعه هویت، در ارتباط با سوء مصرف مواد، می تواند به ادبیات مربوط به حوزه اعتیاد کمک کند فهم تحول هویتها، ما را آگاه می کند که چطور افراد هویتشان را تولید و باز تولید می کنند و رفتارشان را درون زمینه اجتماعی بزرگتر شکل می دهند مهمتر اینکه هویت ها رفتار را بر می انگیزانند بنابراین مطالعه هویت، سرانجام در شناخت تغییرات در رفتار نیز، به ما کمک می کند.

به نظر جونز^۱ (۱۹۹۴ء، به نقل از ادبی، ۱۳۷۹) اگر تلاشهایی که در مدارس غربی جهت پیشگیری از مشکلات رفتاری نوجوانان مثل سوء مصرف^۲ مواد می شود، معطوف به کمبودهای رشدی زیربنایی می شده، این مداخلات اساسی تر و مؤثرتر بوده و احتمال کاهش چنین رفتارهایی افزایش می یافت. در واقع برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر باید مداخله های مناسب مربوط به رشد را انجام داد و با اصلاح و کمک به بلوغ هویت در افراد، از شیوع مشکلات مربوط به شکل گیری هویت ناسالم کاست. کنش متقابل گرایی^۳، در بررسی رفتارهای انحرافی و دوره های اعتیاد و بیماری، اهمیت تغییر هویت در پیدایش، ادامه و خاتمه اعتیاد به مواد، الکلیسم، جرم و بیماری روانی را مورد کاوش قرار داده اند. اندرسون^۴ (۱۹۹۵) مدل تغییر هویت ناشی از مصرف را بر اساس اصول نظریه کنش متقابل نمادین ارائه داده است. به نظر وی افراد به سوی گروه های خرده فرهنگ مواد جذب می شوند تا مشکلات هویتی فعلی شان در دوران کودکی و نوجوانی را حل نمایند. خرده فرهنگ مصرف مواد، فرصت های مهمی را برای تغییر هویت مرتبط با مواد ندارد و می بیند. اندرسون (۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸) در چهارچوب اصول نظریه کنش متقابل نمادین^۴ نشان داده است که احراز هویت در خرده فرهنگ و انطباق با هویت مرتبط با مواد مخدر، رضامندی فرد را نسبت به هویت شخصی افزایش می دهد و با از بین بردن رنج آوری هویت از این طریق می تواند. هویت آسیب دیده افراد، آنان را به سوی گروه های حاوی خرده فرهنگ شکل گرفته حول محور مصرف مواد، برمی انگیزاند که می توانند به آنان کمک کنند تا

1 Jones

2 substance abuse

3 Anderson

4 symbolic interaction theory

مشکلات هویتی شان را رفع نمایند (اندرسون و جاشوا، ۱۹۹۸، ترجمه سید ربیع، ۱۳۸۲).

چگونگی شکل گیری هویت در ایجاد ویژگی های شخصیت و گرایش به اعتیاد نقش دارد. نوجوانان در ابتدا به ضبط هویت می پردازند یعنی عقاید والدین و دوستان را می پذیرند و با تجارب خود درگیر می شوند که این دو نیرو باعث می شود که نوجوان دچار آشفتگی شود و به عقاید جدیدی میل داشته باشد و به پراکندگی هویت دچار می شود و گاهی وضع بدتر است و نوجوان هیچ هویتی را نمی پذیرد و به وقفه هویت می رسد و در بهترین شرایط مسیر خود را پیدا می کند و به کسب هویت می انجامد. اگر نوجوان در این مراحل تا قبل از کسب هویت متوقف شود دچار خلا شخصیتی می شود، برخی افراد برای پر کردن خلا های خود به اعتیاد رو می آورند (برگ، ۲۰۰۶، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۳). گروهی از افراد که بعضاً دارای مشکلات هویتی هستند، قدرت مقابله با مشکلات و ناکامیها را ندارند و اعتیاد را، راه نجات خود تلقی می کنند؛ تا برابری ها ناراحتی ها، فشارهای روانی، بی اعتمادی به خویشان و رفع هیجانات درونی در جستجوی پناهگاهی امن، به مواد مخدر و یا مصرف داروهای روانگردان پناه می برند. مهمترین پدیده نوجوانی مجهز شدن و معقول شدن شخصیت فرد است که فراهم آوردن شرایط آن در اشکال مختلف در اعمال نوجوان جلوه گر می شود (الطف آبادی، ۱۳۷۸). اریکسون تأکید اساسی خود را در این دوره بر احراز هویت در برابر پراکندگی نقش قرار داده است، هویتی که شکل گیری آن تحت تاثیر عوامل زیست شناختی،

اجتماعی و روانشناختی است (میلنور و دادستان، ۱۳۷۶؛

کیان پور، شکرکن، نجاریان، حقیقی، ۱۳۸۱).

اگر فرایند هویت یابی نوجوانان مختل شود، نوجوانان دچار آشفتگی هویت یا آشفتگی نقش اجتماعی خود خواهند شد که می تواند سبب بزهکاری، ناسازگاری های اجتماعی، اختلال در هویت جنسی و حملات روانپریشانه گردد این افراد فکر می کنند که با مصرف مواد از گرفتاری های زندگی بهایی می یابند و دنیا را به نحو دیگری مشاهده می کنند؛ زیرا حالت تخیلی دارو و مواد مخدر سبب می شود که تا مدتی فرد معتاد نسبت به مسائل، مشکلات و واقعینهای زندگی بی تفاوت باشد. همین فرار از زیر بار مشکلات فردی و عامل عمده برای کشش افراد به طرف مواد مخدر است (فرجاد، ۱۳۶۵). حال با توجه به مطالب فوق بررسی سبک های هویت افراد دارای سوء مصرف و مفایسه آن با افراد عادی ضروری به نظر می رسد.

اگر نیم نگاهی به پیامدها و عوارض اعتیاد به مواد مخدر بیندازیم خواهیم دید که پیامدهای اعتیاد جامعه، فرد و خانواده را از نظر اقتصادی، اجتماعی، روانی و جسمی در برمی گیرد. از مهمترین عوارض جسمی اعتیاد به مواد مخدر می توان به ناراحتی های عصبی، بی اشتها، اضطراب، ریزش مکرر آب از بینی و چشم، ناراحتی عضلانی و فشارشدید در ستون فقرات، لاغرشدن و مانند آن اشاره کرد. درگستره اقتصادی برخی پیامدهای ناشی از اعتیاد به مواد مخدر عبارتند از: بیکاری، ضعف مالی در ازای خرید و مصرف مواد، نطمه به اقتصاد و جامعه و خانواده. اما

عوارض روانی و شخصیتی ناشی از اعتیاد به مواد مخدر قراوانند، ازجمله: ضعف اراده، بی توجهی به مسئولیت های فردی، ضعف شخصیت، ضعف عاطفه، عصبی بودن، به هم خوردن تعادل روانی، شخصیت نا متعادل و منززل، و ضعف اعتماد به نفس. همچنین در زمینه اجتماعی می توان به عوارضی مانند بی توجهی به مقررات جامعه، ضعف نیروی کار جامعه، بی نظمی و بی اعتمادی در جامعه، ضعف بزیاد خانواده، افزایش انحرافات مانند: دزدی، فحشا و تکی گری اشاره کرد. مشکلات روانی، کنجکاو، ضعف اراده، فرار از زندگی نگراری، انگیزه های درمانی، و شخصیت ناپهناچار فرد مهمترین علل فردی گرایش به اعتیاد می باشند (ستوده، ۱۳۸۰).

بیشاپ و دیگران (۱۹۹۷)، گزارش کردند که آزمودنی های پایگاههای هویت نابالغ (به اصطلاح آنها کمتر هوشمندانه)، سطوح بالاتری را در حجم و نیز فراوانی مصرف آجیو گزارش کردند، یعنی رابطه خطی معکوس بین مصرف الکل و بلوغ هویت وجود داشت. مطالعات منوس (۱۹۹۶) نشان می دهد که پایگاه های هویت از نظر سلامت روانی روانی یکدیگر تفاوتی دارند، یعنی افراد دارای هویت تعلیق و متعاقب آن هویت سردرگم، دارای پایین ترین سطح سلامت روانی هستند و پایگاههای دارای تعهد بالا (هویت زودرس و موفق)، بالاترین سطح سلامت روانی را نشان می دهند.

افراد معتاد، از گروههای شدیداً آسیب پذیر جامعه اند، لذا از جنبه های گوناگون لازم است مورد توجه ویژه قرار گیرند. از آنجا که در خصوص نقش احتمالی هویت در اعتیاد کمبود هایی وجود دارد، پژوهش حاضر به بررسی نقش احتمالی هویت در اعتیاد پرداخته است. اهمیت این پژوهش، افزون بر جنبه

اجتماعی آن، از نظر پیشگیری و همچنین مداخلات بالینی، مورد توجه است

اعتیاد

اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک اختلال روان پزشکی، با ابعاد زیست شناختی، روان شناختی و اجتماعی، یکی از مشکلات بزرگ کشور به شمار می رود. بر پایه آمارهای رسمی، در حال حاضر ۱۶۰۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰۰ نفر معتاد در کشور وجود دارند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۶). خصوصیات روانی - شخصیتی معتادان به مواد مخدر، صرفاً ناشی از مواد مخدر نیست، بلکه معتادان، قبل از اعتیاد دارای نارسایی های روانی